

نگاهی جامعه‌شناختی به عوامل اجتماعی مؤثر بر اخلاق شهروندی جوانان کاشان

محمد صادق مهدوی^۱ - زهرا اسمی جوشقانی^۲

چکیده:

در این تحقیق با استفاده از نظریه‌های مارکس، پارسونز، دارنلدورف، ترنر، هابرماس، گیدنز، کملیکا، فالکس، یانگ به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اخلاق شهروندی جوانان شهرستان کاشان پرداخته شده است و اخلاق شهروندی با ۱۰ مؤلفه مورد سنجش قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری این تحقیق جوانان ۱۸-۳۵ ساله‌ی کاشان است که به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۳۹۸ نفر انتخاب شده‌اند. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین عرصه‌ی عمومی ۰/۴۸۱، خانواده ۰/۳۰۵، آشنایی با مفاهیم جدید ۰/۲۷۰، پایگاه اجتماعی ۰/۱۹۰، سن ۳/۳۸، جنس ۳/۳۴ و اخلاق شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده‌ی کلی متغیرهای باقی مانده در معادله رگرسیون با همدیگر ۳۱/۹٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و نمودار تحلیل مسیر بر همین اساس ترسیم شده است. در پایان آماره‌ی تحلیل عاملی بر روی ۱۴ گویه انجام شد و بعد از چرخش و حذف گویه‌هایی که بارهای عاملی کم داشتند در نهایت این عوامل به ۴ عامل (رعایت قانون، انجام وظایف از روی اراده، آشنایی با مفاهیم جدید، احساس تعهد و روابط خانوادگی) تقلیل یافتند.

واژگان کلیدی: اخلاق شهروندی، جوانان، عرصه‌ی عمومی، خانواده، مفاهیم جدید.

۱ - استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران d-mahdavi@yahoo.com

۲ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

zahraesmi11@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۹

تاریخ وصول: ۹۱/۱۲/۱۴

مقدمه و بیان مسأله

شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه مهمی پیدا کرده است. شهروندی به یک فرد حق مشارکت در قدرت سیاسی و برخورداری از حقوق مدنی و اجتماعی را می‌دهد. شهروندان به موجب قانون دارای حقوق برابر و یکسان هستند البته این امر مستلزم خودآگاهی مردم از حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق است. اگر این آگاهی از بدو ورود افراد به جامعه صورت گیرد، در درازمدت نقش مؤثری خواهد داشت و به کاهش هزینه‌های اجرایی شدن حقوق و وظایف شهروندی منجر می‌شود. (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۳۷، شیانی و داودوندی، ۱۳۹۰: ۳۸)

شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه‌ی سیاسی اساسی انسان‌ها را (که هگل آن را نیاز به رسمیت شناخته شدن می‌نامد) ارضا نماید. موقعیت شهروند بر یک حس عضویت داشتن در یک جامعه‌ی گسترده دلالت دارد؛ این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد در حالی که به او استقلال فردی‌اش را نیز ارزانی می‌دارد. ویژگی کلیدی شهروندی که آن را از تابعیت صرف متمایز می‌کند وجود یک اخلاق مشارکت است. شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه بلکه یک موقعیت فعالانه است. (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳)

از دیدگاه دال مهمترین اصلی که دموکراسی را از نظام‌های حکومتی دیگر متمایز می‌کند، برابری سیاسی شهروندان است. پایگاه فلسفی برابری سیاسی در دموکراسی یکی باور به خودسامانی شخص است، یعنی پذیرفتن این اصل که شخص خود بهترین داور مصالح خود است و دیگر باور به این است که ارجحیت‌های هر شهروند باید همان توجه و احترامی را برانگیزد که ارجحیت‌های شهروندان دیگر. (عظیمی، ۱۳۷۷: ۴۸)

با توجه به جوان بودن جمعیت کشور، جوانان بیش از هر گروه دیگر به آگاهی از وضعیت شهروندی و حقوق شهروندی در جامعه نیاز دارند تا بتوانند بر اساس آن در جامعه مشارکت کنند و حقوق خود را از جامعه مطالبه کنند و به ساخت فضاهای دموکراتیک در جامعه کمک کنند. البته این مسأله به جوانان کمک می‌کند تا هم از حقوق

شهروندی خود، بسترهای تحقق آن و موانع تحقق آن در جامعه شناخت پیدا کنند که این مهم در نهایت به رشد شخصیت فردی و اجتماعی جوانان منجر می‌شود؛ بنابراین در این پژوهش به دنبال بررسی و شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر اخلاق شهروندی در میان جوانان هستیم. در کل منظور از اخلاق شهروندی در این تحقیق آگاهی شهروندان از حقوق خود، تعهداتشان در مقابل دولت، جامعه و دیگر شهروندان و پایبندی به آن است که در اینجا به تأثیر عوامل اجتماعی مختلفی چون مثل خانواده، عرصه‌ی عمومی، میزان آشنایی با مفاهیم جدید، سن، جنس، پایگاه اجتماعی بر این مسأله پرداخته خواهد شد.

اهمیت تحقیق

در عصر حاضر شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه‌ی اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد؛ بر این اساس شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل "دولت بر مردم و مردم بر دولت" و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده‌ی مشخص است. (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۶۸)

لازمه‌ی حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ و اخلاق مناسب شهروندی و شهرنشینی است، که این مقولات جزء پایه‌های اساسی و دائم شهری می‌باشند و همه‌ی اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ سعی کنند تعادل لازم را به وجود آورند؛ پس نکته‌ی اساسی‌ای که در تبیین بعد اخلاق شهروندی باید اشاره شود این است که نمی‌توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی و قانون یا صرفاً از منظر رابطه‌ی شهروند و دولت بررسی کرد. (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲) همچنین اهمیت موضوع از آن جهت است که شهروندی در دوره‌ی زمانی نسبتاً کوتاهی، به مفهوم مهمی برای توصیف، درک و تبیین شیوه‌های مختلفی که اعضای جامعه در فرآیند توسعه سهمیم یا از آن محرومند، بدل گردیده است. (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۳)

امروزه آموزش شهروندی در جوامع لیبرال دموکراتیک به یک پدیده‌ی عمومی و رایج

تبدیل شده است. بسیار دشوار است که نقش مدارس و دانشگاه‌ها را در زمینه‌ی آموزش حذف کنیم زیرا این دو نهاد بنیان آموزش و عرصه‌ی آزمایشی و کاربردی اصول شهروندی است. البته فضاهای آموزشی با مشکلات زیادی در این زمینه مواجه هستند زیرا با جامعه‌ی همگونی مواجه نیستند و باید در تدوین برنامه‌های خود به گونه‌ای بی‌طرفانه عمل کنند که به تفاوت‌های نژادی، قومی و مذهبی احترام گذاشته شود و باعث تقویت احساس تعلق به جامعه شود. (ساندسترن و فیماندز، ۲۰۱۳: ۱۰۵)

تاریخچه

تکوین و توسعه‌ی پدیده‌ی شهروندی به طور کلی دارای یک پیشینه‌ی تاریخی بلندمدت (از دولت شهر آتن در یونان باستان تا امپراطوری روم باستان و قرون وسطی در غرب) و یک پیشینه‌ی تاریخی کوتاه‌مدت (از رنسانس تا عصر روشنگری در سده‌ی ۱۸ و دوران تاریخی معاصر در سده‌ی ۲۰) است که نقاط عطف آن آتن سده‌ی چهارم، دوره‌ی رنسانس و انقلاب فرانسه می‌باشد که موضوع شهروندی به طور برجسته‌ای مورد توجه واقع شد. (نجاتی حسینی، ۲۵:۱۳۸۰)

البته شهروندی با این پیشینه‌ی طولانی در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها پدیده‌ای یکسان و ثابت نبوده است و نمی‌توان روند تاریخی آن را به سادگی تبیین کرد. تحلیل و بررسی شهروندی در واقع با ساختار اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و نیز اقتصادی هر جامعه و یا نظام شهری آن جامعه در ارتباط نزدیک قرار دارد. با این‌همه شهروندی از یک مدار تکاملی توسعه برخوردار نبوده است، بلکه بر حسب نوع حکومت‌ها و فلسفه‌ی اجتماعی موجود دستخوش رای و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته است. (هیل، ۱۹۹۴: ۱۲)

در ایران به دلیل عدم برخورداری از حقوق شهروندی و تلقی از مردم به‌عنوان "عوام و رعایا"، - آن هم برای قرن‌ها- از زمان انقلاب مشروطیت که بحث تجدد، محدودشدن سلطنت، پیدایش مجلس، دخالت مردم در سرنوشت جامعه‌ی خود و بالاخره شهروندی مطرح گردید، به نحوی کاملاً نامتعادل تنها بر حقوق شهروندی تأکید شده است و کمتر سخنی از وظایف شهروندی به میان آمده است. اکثر مردمانی که طالب حقوق شهروندی هستند وظایف همراه با آن را نمی‌شناسند و نه طالب گردن‌نهی بر آن هستند.

نامشارکتی بودن ایرانیان و غلبه خودمحوری مفرط که با فردگرایی اشتباه شده است، مهم‌ترین گواه غفلت از وظایف شهروندی است. (پیران، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۳)

کشور از لحاظ سیستم مدیریتی و حکومتی قومی و قبیله‌ای وضعیت منحصر به فردی را دنبال کرده است؛ وجود حکومت‌های استبدادی چندین ساله که صرفاً زبانشان زور بوده، بیانگر این مطلب هستند؛ به همین دلیل، قانون یعنی چارچوبی که تصمیمات دولت را محدود و در نتیجه قابل پیش‌بینی کند، وجود نداشت. قانون عبارت از رأی دولت بود که می‌توانست هر لحظه تغییر کند. معنای دقیق استبداد هم همین است نه دیکتاتوری. دیکتاتوری نظام سیاسی یک جامعه‌ی طبقاتی به معنای اروپایی آن است که به طبقات حاکم متکی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۸-۷)

بزرگترین مشکل شهروندی و شهرنشینی در ایران سرعت بسیار بالایی بوده است که ما در شکل‌گیری شهرها داشته‌ایم که این امر خود به سرازیر شدن درآمدهای نفتی از سال‌های دهه‌ی ۱۳۳۰ به کشور بر می‌گردد که امکان تغییر گسترده زیر ساخت‌ها را فراهم کرد و از آن تاریخ در ایران، تجدد و مدرنیته عمدتاً در قالب شهر و شهرنشینی فهمیده می‌شود و در طول بیش از نیم قرن تمام تلاش‌ها به کار گرفته شد تا بافت‌های عشایری و روستایی به سود بافت‌های شهری ویران شوند، مسأله‌ی ما در حال حاضر این است که با کشوری با حدود بیش از ۷۰٪ شهرنشین سروکار داریم اما فرهنگ زیست‌بومی نتوانسته است در آن رشد کند زیرا فرصتی برای چنین کاری نداشته است. (فکوهی، ۱۳۸۸)

پیشینه‌ی تحقیق

شیانی (۱۳۸۲) در "وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران" برای بررسی میزان تحقق شهروندی، متغیرهای ویژگی‌ها و مشخصات افراد، نظام شخصیت افراد، منابع در جامعه و امکانات دسترسی افراد به آن، فرصت‌های اجتماعی و وضعیت کلی جامعه را بررسی می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهروندی در ایران پدیده‌ای نو و در حال تحقق است. طبق یافته‌ها، اصلی‌ترین موانع تحقق کامل شهروندی در ایران را از یک سو می‌توان به فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی در سطح کلان مربوط دانست

که بر توانمندی جامعه برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های اعضای خود باز می‌گردد و از سوی دیگر به نبود آگاهی و شناخت، مهارت‌های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی مناسب، عدم مشارکت و حضور در فعالیت‌های داوطلبانه و نوع ارزش‌ها و نگرش افراد که بر توانایی اعضای جامعه دلالت دارد. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که شهروندی واقعی زمانی تمام تحقق می‌یابد که زمینه‌های عینی و ذهنی آن فراهم شود. مهری اذانی با همکاری مجتبی حاتمی و حسین حاتمی در تحقیق تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد، یکی از ضروریات دستیابی به شاخص‌های توسعه را، تعیین میزان نهادینه شدن فرهنگ شهروندی می‌داند. نتایج تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان یزدی در ابعاد سه‌گانه‌ی شهروندی یعنی مشارکت‌جویی، مسؤولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشند. عدم رعایت قوانین در حد مطلوب توسط شهروندان را باید ناشی از عدم آشنایی آنها با قوانین، عدم شفافیت برخی قوانین، امکان تفسیرهای گوناگون از قوانین و تک بعدی بودن برخی قوانین دانست. مسؤولیت‌پذیری شهروندان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، از ابعادی است که در تحقیق بدان پرداخته شده است. مهمترین عوامل اساسی در پایین بودن میزان مسؤولیت‌پذیری شهروندان یزدی را باید در عدم اعتماد به نفس اجتماعی، عدم وجود یک سیستم کنترل اجتماعی دقیق و نبود یک سیستم تشویق و تنبیه مناسب، جستجو نمود. مشارکت‌جویی و همکاری در امور مختلف اجتماعی، یکی از اصلی‌ترین ابعاد فرهنگ شهروندی می‌باشد که شهروندان یزدی آن را در حد متوسط رعایت نموده‌اند که این مطلوب نیست. این عدم مشارکت را می‌توان در نتیجه بی‌تفاوتی اجتماعی و عدم فرهنگ تعاون و همکاری دانست. شهروندان یزدی، بالاترین میزان مشارکت را در برگزاری مراسم، اعیاد و... و کمترین میزان مشارکت را در پرداخت عوارض شهری داشته‌اند.

هاشمیان‌فر و گنجی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه را به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه‌ی اجتماعی و یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع در نظر

می‌گیرند. نتایج تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان اصفهانی در ابعاد سه‌گانه‌ی شهروندی یعنی مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پابندی به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشند. در واقع مطلوب نبودن میزان مشارکت‌جویی شهروندان در امور مختلف مدنی، سیاسی و اجتماعی را می‌توان نتیجه‌ی بی‌اعتمادی اجتماعی و یا بی‌تفاوتی اجتماعی آنها و یا عدم فرهنگ مشارکت دانست. آموزش و آگاهی‌بخشی به شهروندان عنصر اساسی در بالا بردن میزان مشارکت‌جویی شهروندان می‌باشد که نقطه‌ی شروع آن را باید در آموزش و پرورش و تقویت کارکردهای آن جستجو نمود عدم رعایت قوانین در حد مطلوب در بین شهروندان که از ابعاد دیگر شهروندی است را باید در قانون‌گریزی جامعه‌ی ایران که در بستر تاریخی فرهنگی ایران شکل گرفته است دنبال نمود. همچنین عدم شفافیت قوانین و امکان تفسیرهای گوناگون از قوانین و وجود انواع فسادهای اداری از عوامل جدی پایین بودن این بعد شهروندی است. یکی از عوامل اساسی در پایین بودن میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان را باید در عدم وجود یک سیستم کنترل اجتماعی دقیق و نبود یک سیستم پاداش و تنبیه مناسب جستجو کرد.

هاشمیان‌فر و عجمی (۱۳۹۱) در "بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان" با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه به ارتباط متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی، آموزش، مسئولیت‌پذیری، هویت اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای (جنس، وضعیت تاهل، شغل، تحصیلات، مدت اقامت، علت مهاجرت) با متغیر وابسته‌ی فرهنگ شهروندی ساکنان حاشیه توجه کرده‌اند. نتایج به‌دست آمده از آزمون متغیرهای زمینه‌ای (به غیر از جنس، وضعیت تاهل، مدت اقامت، تحصیلات) نشان می‌دهد که بین متغیر علت مهاجرت و نوع شغل با فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه وجود دارد. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، با توجه به مقادیر P جدول و نسبت‌های بحرانی، نشان از معنادار بودن ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته‌ی پژوهش است. نتایج به دست آمده از مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری پژوهش نشان می‌دهد که متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب تأثیر ۹۹ درصد، بیشترین

تأثیر را بر فرهنگ شهروندی افراد بافت حاشیه‌ی اصفهان داراست.

کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که دانشجویان تا چه میزان از حقوق شهروندی خود و دیگر اعضای جامعه آگاهی دارند. هدف تحقیق بررسی وضع موجود رعایت حقوق شهروندی و بررسی نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای دانشکده‌ی فنی و مهندسی و دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران است. یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهای مستقل، میزان تحصیلات و رشته‌ی تحصیلی هم بر متغیر وابسته‌ی آگاهی از حقوق شهروندی و هم بر متغیر وابسته‌ی نگرش نسبت به حقوق شهروندی دانشجویان تأثیر داشته و هرچه میزان تحصیلات بالاتر باشد، آگاهی بیشتر و نگرش به حقوق شهروندی بهتر می‌شود. بین متغیر مستقل محل تولد و سکونت و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ یعنی بین کسانی که از ابتدا در تهران متولد شده و زندگی می‌کنند، با افرادی که در شهرهای کوچک به دنیا آمده و برای ادامه تحصیل به تهران آمده‌اند، در میزان آگاهی از حقوق شهروندی تفاوت وجود دارد. بین متغیرهای مستقل جنسیت و پایگاه اقتصادی اجتماعی دانشجویان و متغیر وابسته‌ی آگاهی از حقوق شهروندی و نیز متغیر وابسته‌ی نگرش نسبت به حقوق شهروندی رابطه‌ی ضعیفی وجود دارد.

بورمن یک مدل پنج بعدی را برای رفتار شهروندی با عنوان پشتکار توأم با سوز و حساسیت در برابر امور اجتماعی، مساعدت و همکاری با افراد و حمایت از اهداف شهروندی و تلاش برای رسیدن به آن را مطرح می‌کند. مؤلفه‌های دیگر که توسط "فار و اورگان" معرفی شده‌اند عبارتند از احترام به آداب اجتماعی، نوع دوستی، مسؤولیت‌پذیری، جوانمردی و شرافت که فار و همکاران در ابعاد جهانی فضیلت مدنی مشارکت وفاداری را به آن اضافه کرده‌اند (بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). صاحب‌نظران با توجه به نوع نگاه خود مؤلفه‌های مختلفی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند، مینکلر

احساس تعهد، احساس برابری، کنجکاوی و ترقی‌طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت و غیره را از جمله مؤلفه‌های اساسی شهروندی می‌داند. جاکولین سامرز تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش‌های دیگران، رفتار متعهدانه و غیره را مدنظر قرار می‌دهند.

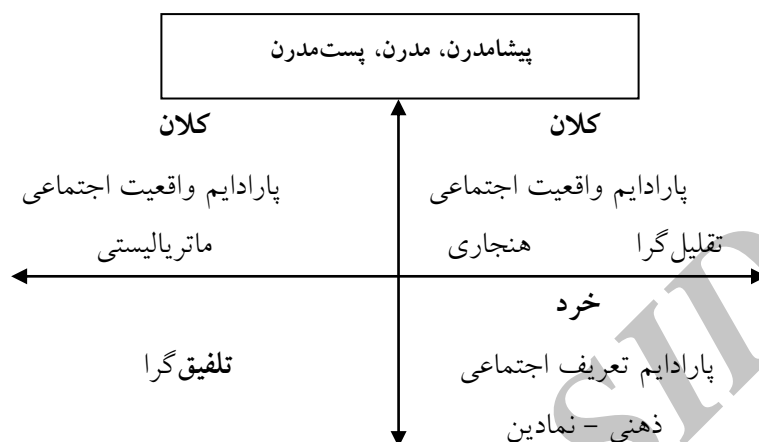
به طور کلی در تحقیقات بالا بیشتر مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، مشارکت، احترام به قانون و تعهد به جامعه که بیانگر ایجاد نظم اجتماعی در جامعه‌اند، بیانگر اخلاق شهروندی هستند و در واقع تعهدات شهروندان به جامعه و دولت است و بیشتر از منظر حقوقی به آن توجه می‌شود و عامل تقویت و ترویج آن آموزش و آگاهی شهروندان است. متأسفانه نتایج تحقیقات نشان‌دهنده‌ی میانگین پایینی از رعایت اصول و قواعد اخلاق شهروندی توسط شهروندان است.

مبانی نظری تحقیق

از آنجایی که اخلاق شهروندی از مفاهیم پیچیده در حوزه‌ی علوم انسانی است و به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی قلمداد می‌شود و همواره در بین جامعه‌شناسان بر سر تعریف و تعیین ابعاد و مؤلفه‌های آن مناقشه و بحث وجود دارد، با این اوصاف تبیین این موضوع و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن از عهده‌ی یک نظریه و حتی یک مکتب بر نمی‌آید پس در این تحقیق سعی می‌شود تا آنجا که ممکن است موضوع از زوایای گوناگون مورد کنکاش قرار گیرد و به همین منظور چارچوب نظری این تحقیق به صورت تلفیقی است که از نظریات مختلف متناسب با موضوع مؤلفه‌هایی انتخاب شده است تا برای تبیین موضوع جامعیت مناسب را داشته باشد.

بدین سان تلاش می‌شود در غالب سه دیدگاه پیشامدرن (کلاسیک)، مدرن، پست مدرن به تبیین موضوع پرداخته شود و البته برای روشن شدن ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته نظریه‌ها از زوایای مختلف دسته‌بندی شده‌اند؛ به گونه‌ای که ابتدا نظریه‌ها در دو سطح خرد و کلان به دو دسته تقلیل‌گرایانه و تلفیق‌گرایانه تقسیم شده‌اند و نظریه‌های تقلیل‌گرایانه در سه پارادایم واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی، رفتار اجتماعی جای

گرفته‌اند. شکل زیر بیانگر دسته‌بندی نظریه‌ها در چارچوب نظری تحقیق می‌باشد:



بر اساس مدل بالا نظریات زیر مورد استفاده قرار گرفت :

نظریات مارکس در پارادایم واقعیت اجتماعی در دوره‌ی پیشامدرن جای می‌گیرد؛ وی معتقد است با تکیه بر عامل اقتصاد، نظام طبقاتی خاصی در جامعه شکل می‌گیرد و متناسب با جایگاه افراد در این نظام طبقاتی وضعیت شهروندی آنها مشخص می‌شود. به گمان مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی - اجتماعی و عملی محرومان است که به علت محرومیت از ابزار تولید در جامعه شکل گرفته است و روز به روز بر فقر فزاینده‌ی طبقه‌ی پایین می‌افزاید. براین اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند؛ بنابراین باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوقشان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. (شیانی، ۱۳۸۱، توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۶)

در بخش نظریات دوره‌ی مدرن می‌توان از تئوری‌های ترنر، پارسونز استفاده کرد. پارسونز شهروندی را در معنای کامل واژه، نتیجه‌ی ظهور جامعه‌ی سرمایه‌داری صنعتی دانسته و بر این باور است که تمام تغییراتی که در جامعه‌ی سنتی رخ داده نظیر شهری شدن، صنعتی شدن، عقلانیت و... بستر مناسب برای این پدیده را به وجود آورده است. از آنجا که شهروندی، عضویت کامل در اجتماع - ملی است بر همبستگی و وفاداری متقابل اعضا قرار داشته و مبنای جمعی انسجام اجتماعی به شمار می‌رود. از نظر پارسونز،

برای دستیابی به هویت عام شهروندی، باید هنجارهای عام را در قالب فعال‌گرایی، عام‌گرایی، آزادگی، مساوات‌طلبی و معیارهای اکتسابی گسترش داد. (پارسونز، ۱۹۶۵: ۱۸۷) پارسونز در حوزه‌ی شهروندی ابتدا بر حفظ دموکراسی و سپس بر ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار جامعه و استمرار پیاپی آن در حوزه‌ی زندگی اجتماعی تأکید کرده است. به نظر او مهمترین ارزش‌هایی که باعث تقویت دموکراسی و بسط فرهنگ شهروندی در جامعه می‌گردد، عبارتند از:

الف) برخوردار بودن از روحیه‌ی عقلانی، انتقادی، در دانش علمی
ب) احترام به قانون که ابزار مناسبی برای جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط در رهبری دموکراسی می‌باشد.

ج) بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون، که شهروندان باید این آزادی‌ها را رعایت کنند.

د) درک همه‌جانبه از مفهوم شهروندی. (کیویستو، ۱۳۷۸: ۹۹)

ترنر شهروندی را مستلزم نهادینه شدن حقوق اجتماعی و سیاسی می‌داند که به عنوان یک مسأله مجدداً ظهور کرده است. از دید او شهروندی مجموعه‌ی حقوق و وظایفی است که به افراد هویت قانونی و رسمی اعطا می‌کند. این حقوق و الزامات اجتماعی و قانونی ریشه‌ی تاریخی و تکاملی در سیر زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و قانونی یک جامعه‌ی شهری چون نظام قضایی، پارلمانی و دولت رفاه شده است. (ترنر، ۱۹۹۳: ۴۰-۳۵)

در بخش نظریات تلفیقی دوره‌ی مدرن از تئوری‌های هابرماس و گیدنز بهره گرفته‌ایم. از نظر هابرماس، شهروندی ناشی از تمایز حوزه‌ی اقتصادی-سیاسی و شکل‌گیری حوزه‌ی جدیدی به نام حوزه‌ی عمومی است. منظور وی از حوزه‌ی عمومی عرصه و قلمروی از حیات اجتماعی انسانهاست که در آن بتوانند چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل دهند. زمانی که شهروندان درباره‌ی مسائل مورد علاقه‌ی عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد بدون قید و بند - یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ و نشر افکار- با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت یک

پیکره‌ی عمومی عمل می‌کنند (نوذری، ۱۳۸۱: ۳۲۲). هابرماس با تأکید بر نظریه‌ی کنش ارتباطی و با محور قرار دادن مفاهیم عقلانیت ارتباطی، ارتباط بین الاذهانی، زیست جهان وفاقی و اخلاق گفت‌وگویی در پی دستیابی به رویکردی جدید از تربیت اخلاقی است. هدف تربیت اخلاقی در سطح اجتماعی دستیابی به تفاهم مبتنی بر کنش‌های اخلاقی است که این امر هم در زمینه‌ای از آزادی و برابری صورت می‌گیرد و هم زمینه‌ساز رشد فضایی چون عدالت و آزادی می‌گردد و در سطح فردی نیز فضای مورد نظر هابرماس با عنایت به مباحث مرتبط با کنش ارتباطی، رشد و شکوفایی خرد مبتنی بر ارتباط متقابل هنجاری (عقل ارتباطی) را در پی خواهد داشت (نقیب زاده و نوروزی، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۴۰). مضمون اصلی در اکثر آثار هابرماس عبارت است از مشارکت در تدوین و ارائه‌ی سیمایی واضح از یک «جامعه‌ی جهانی بهتر»؛ جامعه‌ای که در آن امکانات و تسهیلات بیشتری برای سعادت، شادکامی، صلح و همبستگی همگان فراهم باشد. از آنجا که وی اندیشمندی عقل‌گراست بنابراین «جامعه‌ی بهتر» نیز به گمان وی جامعه‌ی عقلانی‌تر است (مهدوی و مبارکی، ۱۳۸۵: ۲۰).

گیدنز شهروندان را به عنوان افرادی که در محدوده‌ی مرزهای سیاسی زندگی می‌نمایند که دارای وظایف مشترک هستند و خودشان را جزئی از یک ملت می‌دانند تعریف می‌نماید (سراقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۴). گیدنز شهروندی را یک مثال عالی از دوگانگی ساختاری در نظر می‌گیرد که نمی‌توان در آن فرد و جامعه را دقیقاً به عنوان ایده‌های مخلف و دشمن یکدیگر درک کرد؛ در واقع کارگزاری فرد و کردارهای اجتماعی به طور متقابل و به هم وابسته‌اند. فرد از طریق اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را بازتولید می‌کند (نیکومرام، کاوسی و سادات، ۱۳۹۰: ۸۰).

در بخش نظریات پست مدرن از تئوری‌های فمینیستی فالکس، یانگ و کملیکا استفاده شده است. فمینیست‌ها نیز عمده‌ی بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می‌کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوقی فراتر از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌دانند. اگرچه بخشی از مسأله‌ی طرد زنان از حقوق شهروندی به شرایط سیاسی مربوط می‌شود اما در بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی

حاکم و پذیرش خود زنان نیز مربوط می‌شود. حقوق جنسیتی بر محور حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود (شیانی، ۱۳۸۲: ۴۱).

به نظر فالکس کارکرد اصلی شهروندی عبارت است از اداره‌ی جامعه بر طبق اصول احترام به حقوق دیگران و تعهد به ایفای نقش در حفظ نهادهای مشترکی که این حقوق را پایدار می‌دارند. آنچه شهروندی پسامدرن طلب می‌کند این است که مرزهای میان جوامع سیاسی چه به لحاظ مادی و چه فرهنگی تا ابد بسته نمانند و بسیاری از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، فراتر از مرزهای دولتی گسترش یابند. (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۰۹)

یانگ با تأکید بر حقوق گروهی، شهروندی را نوعی قرارداد اجتماعی می‌داند که هدف اصلی آن ارتقای امنیت و رفاه در جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (شیانی و داوودوندی، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۴). به نظر وی ما برای ارتقای شهروندی باید هویت گروهی را جدی بگیریم چرا که این گروه‌ها هستند که افراد را می‌سازند و برای اینکه شهروندی واقعاً فراگیر باشد باید سیاست تفاوت به رسمیت شناخته شود و هویت‌های گروهی مختلف در نهادهای تصمیم‌گیری جامعه وارد شوند.

عقاید کملیکا به طور محکم‌تری در سنت لیبرال ریشه دارد. او نیز مانند یانگ از یک شهروندی متمایز دفاع می‌کند. او در نظریه شهروندی چند فرهنگی خود به اهمیت فرهنگ برای احساس شأن و منزلت فرد اهمیت قائل می‌شود و می‌گوید شهروندی باید عمومی و همگانی و فارغ از ویژگی‌های خاص فرهنگی باقی بماند؛ اما نتیجه‌ی این رویکرد عبارت است از: آسیب‌پذیر ساختن اقلیت‌های فرهنگی در مقابل بی‌عدالتی قابل ملاحظه اکثریت و تشدید برخورد قومی و فرهنگی. (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۱۹-۱۱۲)

در بحث تعریف اجتماعی در سطح خرد سعی شده است از تئوری‌های صاحب‌نظران مکتب کنش متقابل نمادین استفاده شود. با پیچیده شدن روابط اجتماعی و گذار از جامعه‌ی سنتی به مدرن، معانی و مفاهیم از لحاظ ذهنی و معنایی برای افراد تغییر می‌کند و در نتیجه برای توجه به اخلاق شهروندی در بین جوانان باید به برداشت و

تصور خود افراد و اهمیت وجودی آن از منظر خود آنها توجه کرد.

فرضیه‌های تحقیق

بین سن و اخلاق شهروندی تفاوت وجود دارد.

بین جنسیت و اخلاق شهروندی تفاوت وجود دارد.

بین پایگاه اجتماعی و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد.

بین عرصه‌ی عمومی و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد.

بین خانواده و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد.

بین آشنایی با مفاهیم جدید و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش این پژوهش پیمایشی است که جمع‌آوری اطلاعات با طرح و نقشه‌ی قبلی انجام گرفته است و به عنوان راهنمای توصیف-پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل روابط بین برخی متغیرها صورت پذیرفته است. جامعه‌ی مورد مطالعه تحقیق شامل کلیه‌ی جوانان ۱۸-۳۵ شهر کاشان است که بر طبق آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۰، از جمعیت ۲۷۵۳۲۵ کاشان، ۹۸۱۰۰ نفر در این رده سنی قرار دارند که از این تعداد ۴۹۹۸۶ نفر آنها مرد و ۴۸۱۱۴ نفر آنها زن هستند. (راهنمای سرشماری مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۱۴)

با توجه به تعداد کل جوانان ۱۸-۳۵ ساله شهر کاشان و همچنین سطح اطمینان ۹۵ درصد از طریق فرمول کوکران حجم نمونه ۳۹۸ نفر به دست آمده است. شیوه‌ی نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. در ابتدا چهار منطقه‌ی شمال، جنوب شرق و غرب شهر کاشان در نظر گرفته شده است. بدین منظور تنوع جغرافیایی، فرهنگی، طبقاتی و آموزشی مد نظر قرار می‌گیرد و سپس از هر منطقه بر حسب تصادف خیابان‌ها، کوچه‌ها و منازل خاص انتخاب شده است و از آنجایی که آمار نشان می‌دهد تعداد مردان بیشتر از زنان است که با احتساب نسبت جنسی ۵۱٪ به ۴۹٪، تعداد ۵۰ مرد و ۴۸ زن از هر منطقه انتخاب شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه است و برای دستیابی به داده‌های دقیق، پرسشنامه از طریق مراجعه‌ی حضوری در اختیار جوانان قرار گرفته شده است. در ضمن توضیحات لازم

درباره‌ی محفوظ بودن اطلاعات شخصی افراد و نحوه‌ی تکمیل پرسشنامه ارائه شد تا با خیال راحت و اطمینان کامل به سؤالات پاسخ دهند و با توجه به ریزش و ناقص بودن برخی پرسشنامه‌ها، تعداد ۴۳۰ پرسشنامه تهیه شد و در نهایت ۳۹۸ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این تحقیق از برنامه‌ی SPSS ۲۱ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده متناسب با نوع متغیرها آماره‌های مناسب انتخاب شده است.

سنجش متغیرها

برای سنجش متغیر اخلاق شهروندی یک سؤال با ۳۵ گویه مطرح شده است. در این سؤال ۱۰ مؤلفه برای اخلاق شهروندی در نظر گرفته شده که به ترتیب عبارتند از: نظم (۴ سؤال)، احترام به قانون (۳ سؤال)، مسؤولیت‌پذیری (۳ سؤال)، آگاهی (۳ سؤال)، همکاری و مشارکت (۳ سؤال)، نوع دوستی (۴ سؤال)، برابری خواهی (۴ سؤال)، پذیرش گفتمان و نفی خشونت (۳ سؤال)، عرفی‌گرایی (۴ سؤال)، عام‌گرایی (۴ سؤال).

پایگاه اجتماعی با میزان تحصیلات، درآمد و شغل افراد اندازه‌گیری شد. متغیر شغل بر اساس طبقه‌بندی مشاغل در ایران که با کمک گروهی از محققان علوم اجتماعی دانشکده‌ی علوم اجتماعی تهران انجام گرفته است، تعریف عملیاتی شد. شغل افراد از ۱ تا ۵ رتبه بندی شده و به شغل عالی نمره‌ی ۵، شغل بالا نمره‌ی ۴، شغل متوسط نمره‌ی ۳، شغل پایین نمره‌ی ۲ و خیلی پایین نمره‌ی ۱ داده شد.

برای سنجش متغیر خانواده یک سؤال با ۵ گویه به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفت:

- ۱) من در هنگام بیماری یا استراحت دیگر اعضای خانه صدای تلویزیون را کم می‌کنم.
- ۲) زمانی که من به وظایفم در خانه عمل نمی‌کنم اعضای خانواده به من تذکر می‌دهند.
- ۳) در صورت انجام دادن وظایف به بهترین شکل در خانه، اعضای دیگر خانواده از من تشکر می‌کنند.
- ۴) خانواده‌ی شما هنگام خرید خانه و اتومبیل چقدر به نظرات اعضای دیگر خانواده توجه می‌کنند؟ (۵) در مراسم مهمانی خانوادگی چقدر اعضای خانواده‌ی شما به یکدیگر کمک می‌کنند.

حوزه‌ی عمومی در تعریف هابرماس به صورت یک پدیده‌ی اجتماعی است و نمی‌توان آن را به یک نهاد یا سازمان فروکاست. در واقع حوزه‌ی عمومی به صورت یک شبکه‌ی

به هم پیوسته است که جریان آزاد اطلاعات و چرخش اطلاعات در آن صورت می‌گیرد.
(میر، ۱۳۸۶: ۲۷۱)

برای سنجش این متغیر یک سؤال ۵ گویه‌ای به قرار زیر به کار گرفته شد: (۱) من در حین رانندگی با تلفن همراه صحبت نمی‌کنم (۲) من همیشه هنگام رانندگی کمربند ایمنی خود را می‌بندم (۳) من همه وقت و همه جا نوبت دیگران را مراعات می‌کنم (۴) تا چه اندازه برای کمک به فرد سالخورده، قبل از اینکه از شما درخواست کند پیشقدم می‌شوید؟ (۵) اگر احساس کنم خطری یا زحمتی برای همسایگانم ایجاد می‌شود، به آنها اطلاع می‌دهم.

مفاهیم جدید^۱

برای سنجش این سؤال از پاسخگویان خواسته شد میزان آشنایی خود از مفاهیم لیبرال دموکراسی، حقوق بشر، روشنفکری و روشنگری را بیان کنند.

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی نشان می‌دهد از نسبت ۴۹٪ زنان، ۱۹۵ نفر زن و از نسبت ۵۱٪ مردان، ۲۰۳ نفر مرد در نمونه انتخاب شده است که ۲۴/۴٪ در گروه سنی ۱۸-۲۲، ۲۵/۶٪ در گروه سنی ۲۲-۲۶، ۲۶/۱٪ در گروه سنی ۲۶-۳۰ و ۲۳/۹٪ در گروه سنی ۳۰-۳۵ سال قرار دارند. از نظر تحصیلات ۰/۳٪ پاسخگویان بیسواد، ۶/۵٪ دارای تحصیلات ابتدایی-راهنمایی، ۵۶/۵٪ دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، ۳۰/۲٪ دارای تحصیلات لیسانس و ۶/۵٪ دارای تحصیلات فوق لیسانس به بالا هستند. از نظر پایگاه اجتماعی (شغل، تحصیلات، درآمد) زنان نسبت به مردان پایگاه اجتماعی پایین‌تری دارند و بیشترین فراوانی برای هر دو گروه در پایگاه اجتماعی متوسط است. بیشترین نمرات میانگین به ترتیب برای مؤلفه‌های دهگانه‌ی اخلاق شهروندی در این تحقیق عبارتند از: عام‌گرایی ۱۶، نوع‌دوستی ۱۵/۱۴، نظم ۱۴/۵۴، برابری‌خواهی ۱۴/۴۳، پذیرش گفتمان و نفی خشونت ۱۱/۹۴، آگاهی ۱۱/۳۴، مسؤلیت‌پذیری ۱۱/۲۱، عرفی‌گرایی ۱۱/۰۵، همکاری و

1 New concepts

مشارکت ۱۰/۶۷، احترام به قانون ۱۰/۴۴. میانگین‌های بالا بیانگر نسبت متوسط و رو به پایینی از اخلاق شهروندی در بین جوانان شهرستان کاشان است. نتایج تحلیلی تحقیق در زمینه‌ی آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر است:

فرضیه‌ی اول: بین جنسیت جوانان و اخلاق شهروندی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱: آزمون T مستقل در متغیر اخلاق شهروندی بین زن و مرد.

معناداری sig	مقدار آزمون T	میانگین	تعداد	شاخص‌های آماری
۰/۰۰۱	۳/۳۴	۱۲۹/۲۵	۱۹۵	زن
		۱۲۴/۴۶	۲۰۳	مرد

طبق نتایج به دست آمده از جدول چون مقدار قدر مطلق T به دست آمده ($T=۳/۳۴$) از مقدار T جدول ($T=۲/۳۲$) بزرگتر است؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین زنان و مردان در متغیر اخلاق شهروندی تفاوت وجود دارد و با اطمینان ۹۹٪ فرضیه‌ی بالا تأیید می‌شود. بر اساس میانگین به دست آمده نتیجه می‌گیریم زنان بیشتر به اخلاق شهروندی پایبند هستند. این مسأله از یک طرف به ویژگی‌های روحی و شخصیتی متفاوت زنان نسبت به مردان بر می‌گردد. زنان همیشه سعی می‌کنند کارهای خود را با دقت و نظم بیشتری انجام دهند و حساسیت زنان در انجام امور تحقق این مسأله را دو چندان می‌کند از طرف دیگر به ساختار فرهنگی جامعه‌ی ما بر می‌گردد؛ بی‌نظمی و زیر پا گذاشتن قانون توسط زنان در جامعه‌ی ما چندان پذیرفته نیست و همین امر زنان را از لحاظ فرهنگی مجبور می‌سازد اصول و قواعد را بیشتر رعایت کنند و مطیع‌تر از مردان باشند. نظریه‌پردازان فمینیست هم به وجود چنین ساختار مردسالاری و انقیادپذیری زنان در جامعه اذعان دارند.

فرضیه‌ی دوم: بین سن جوانان و اخلاق شهروندی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۲: آزمون مقایسه‌ی میانگین (F) در اخلاق شهروندی بر حسب سن

متغیر	ابعاد	میانگین	میانگین مجذورات بین گروه	میانگین مجذورات درون گروه	F	Sig
سن	۱۸-۲۲	۱۲۳/۷۸	۲۰۹۴/۷۰	۸۱۲۱۰/۸۰	۳/۳۸۸	۰/۰۱۸
	۲۲-۲۶	۱۲۵/۳۴				

				۱۲۹/۱۱	۲۶-۳۰
				۱۲۴/۹۴	۳۰-۳۵

جدول بالا آزمون ANOVA بین اخلاق شهروندی و سن را نشان می‌دهد؛ بنابراین طبق نتایج به دست آمده از جدول چون مقدار F بدست آمده ($F=۳/۳۸۸$) از مقدار F جدول ($F=۳/۳۲$) بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می‌گیریم که بین اخلاق شهروندی و سن تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که در گروه‌های سنی مختلف میزان اخلاق شهروندی متفاوت است. تفاوت در الگوهای رفتاری در سنین مختلف امری طبیعی است که البته ترنر نیز به نقش شرایط و امکانات بر رفتار افراد تأکید دارد. فرضیه سوم: بین پایگاه اجتماعی جوانان و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون در متغیر اخلاق شهروندی و پایگاه اجتماعی

معناداری sig	مقدار آزمون value	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۱۹۰	اخلاق شهروندی* پایگاه اجتماعی

جدول بالا همبستگی پیرسون بین اخلاق شهروندی و پایگاه اجتماعی را نشان می‌دهد. طبق نتایج به دست آمده از جدول چون مقدار آزمون به دست آمده ($value=۰/۱۹۰$) از مقدار آزمون جدول ($۰/۱۲۸$) بزرگتر است بین اخلاق شهروندی و پایگاه اجتماعی رابطه وجود دارد بدین معنا که افراد با پایگاه‌های اجتماعی متفاوت از میزان اخلاق شهروندی متفاوتی برخوردار هستند؛ بنابراین فرضیه بالا با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود و نشان می‌دهد که میزان تحصیلات، شغل و درآمد پاسخگویان بر روی اخلاق شهروندی تأثیر دارد. بر همین اساس می‌توان تأکید مارکس و ترنر بر موقعیت اقتصادی و شرایط و امکانات افراد را مورد توجه قرار داد و فرضیه بالا این امر را مورد تأیید قرار می‌دهد. فرضیه چهارم: بین خانواده و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴: آزمون ضریب همبستگی پیرسون در متغیر اخلاق شهروندی و خانواده.

معناداری sig	مقدار آزمون value	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۳۰۵	اخلاق شهروندی* خانواده

جدول بالا همبستگی پیرسون بین اخلاق شهروندی و خانواده را نشان می‌دهد؛ طبق نتایج به دست آمده از جدول چون مقدار آزمون به دست آمده ($value=۰/۳۰۵$) از مقدار

آزمون جدول (۰/۱۲۸) بزرگتر است، بین اخلاق شهروندی و خانواده رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که روابط اعضای خانواده و شرایط موجود در خانواده تأثیر مستقیمی بر اخلاق شهروندی می‌گذارد و فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود. بر اساس نظریه‌های پارسونز، گیدنز و کنش متقابل نمادین فرضیه‌ی بالا را می‌توان تفسیر کرد. بر اساس نظریه‌ی پارسونز خانواده به عنوان یکی از خرده نظام‌های جامعه، نقش جامعه‌پذیر کردن افراد را به عهده دارد و می‌تواند مؤلفه‌های شهروندی مورد نظر وی را به افراد منتقل کند. بر اساس نظریه‌ی ساختاربندی گیدنز اخلاق شهروندی توسط خانواده شکل می‌گیرد و فرزندان در جامعه آن را بازتولید می‌کنند و تغییراتی را در آن ایجاد می‌کنند و بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین، کنش افراد برگرفته و منبعث از شرایط خانواده است و ذهنیت افراد را شکل می‌دهد.

فرضیه‌ی پنجم: بین عرصه عمومی و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: آزمون ضریب همبستگی پیرسون در متغیر اخلاق شهروندی و عرصه عمومی

معنی داری sig	مقدار آزمون value	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۴۸۱	اخلاق شهروندی* عرصه عمومی

جدول بالا همبستگی پیرسون بین اخلاق شهروندی و عرصه عمومی را نشان می‌دهد. طبق نتایج به دست آمده از جدول چون مقدار آزمون به دست آمده (value=۰/۴۸۱) از مقدار آزمون جدول (۰/۱۲۸) بزرگتر است، بین اخلاق شهروندی و عرصه عمومی رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که عرصه عمومی بر اخلاق شهروندی تأثیر می‌گذارد و در واقع با تحقق بسترهای عرصه عمومی میزان اخلاق شهروندی افزایش می‌یابد؛ بنابراین فرضیه‌ی مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود. فرضیه‌ی بالا از یک طرف نظریه‌ی هابرماس در زمینه‌ی نقش عرصه عمومی و تشکل‌های مدنی در بروز رفتارهای دموکراسی و مشارکتی را مورد تأیید قرار می‌دهد و از طرف دیگر برابری و عدالتی را که نظریه‌پردازان پست مدرن مد نظر دارند مورد تأیید قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ششم: بین میزان آشنایی با مفاهیم جدید و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶: آزمون ضریب همبستگی پیرسون در متغیر اخلاق شهروندی و میزان آشنایی با

مفاهیم جدید

معنی داری sig	مقدار آزمون value	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۲۷۰	اخلاق شهروندی* آشنایی با مفاهیم جدید

جدول بالا همبستگی پیرسون بین اخلاق شهروندی و آشنایی با مفاهیم جدید را نشان می‌دهد. طبق نتایج به دست آمده از جدول چون مقدار آزمون به دست آمده (value=۰/۲۷۰) از مقدار آزمون جدول (۰/۱۲۸) بزرگتر است، بین اخلاق شهروندی و میزان آشنایی با مفاهیم جدید رابطه وجود دارد؛ بنابراین فرضیه‌ی مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود. نظریات دارندورف، هابرماس، پارسونز پیرامون افزایش آگاهی افراد در شکل‌گیری اخلاق شهروندی با این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

تحلیل رگرسیون چند متغیره روشی برای مطالعه اثرات و میزان تأثیر بیش از یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته با استفاده از اصول همبستگی و رگرسیون است. در این تحقیق تمام متغیرهای مستقل در سطح فاصله‌ای نیستند؛ برخی از متغیرها اسمی هستند. برای تحلیل رگرسیون این داده‌ها، ابتدا آنها به صورت متغیر مجازی تبدیل شده‌اند و سپس وارد تحلیل رگرسیونی شده‌اند. برای انجام تحلیل رگرسیونی تمامی متغیرهایی که همبستگی آنها با متغیر وابسته معنادار بود وارد معادله‌ی رگرسیونی شده‌اند.

جدول شماره‌ی ۷: تحلیل رگرسیون چند متغیره

متغیر	B	اشتباه استاندارد	Beta بتا	مقدار T	sig
خانواده	۰/۵۴۶	۰/۱۷۵	۰/۱۳۹	۱۲۹/۳	۰/۰۰۲
میزان آشنایی با مفاهیم جدید	۰/۶۲۶	۰/۱۵۱	۰/۱۷۷	۴/۱۳۳	۰/۰۰۰
عرصه‌ی عمومی	۱/۵۹۴	۰/۱۹۷	۰/۳۶۷	۸/۱۰۹	۰/۰۰۰
سن	۱/۰۷۶	۰/۵۸۹	۰/۰۸۲	۱/۸۲۸	۰/۰۶۸
جنس	-۴/۳۱۸	۱/۲۶۲	-۰/۱۴۹	-۳/۴۲۲	۰/۰۰۱
پایگاه اجتماعی	۰/۷۹۷	۰/۲۶۵	۰/۱۳۷	۳/۰۰۷	۰/۰۰۳

$$\text{Adjusted} = 0.319 \quad \bar{R} = 0.574 \quad \bar{R} \text{ square} = 0.319$$

همانطور که در بحث همبستگی، همه متغیرهای مستقل بر متغیر اخلاق شهروندی مؤثر بوده یا با آن رابطه داشته‌اند. در رگرسیون چند متغیری اثرات متغیرها در کنار همدیگر بر اخلاق شهروندی نیز بررسی می‌شود. معادله‌ی خطی رگرسیون پیش‌بینی را با استفاده از ضرایب استاندارد شده می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$y = a + b_1 \cdot x_1 + b_2 \cdot x_2 + b_3 \cdot x_3 \dots \dots \dots$$

$$y = 75/742 + -4/318 + 1.594 + 1/076 + /797 + /626 + /546$$

مقدار ثابت یا عرض از مبدأ برابر با ۷۵/۷۴۲ است. با توجه به ضرایب تأثیر متغیرهای فوق به ازای تغییر متغیر خانواده ۰/۵۴۶، متغیر عرصه‌ی عمومی ۱/۵۹۴، متغیر آشنایی با مفاهیم جدید ۰/۶۲۶، متغیر پایگاه اجتماعی ۰/۷۹۷، متغیر سن ۱/۰۷۶، متغیر جنس ۴/۳۱۸- متغیر اخلاق شهروندی به میزان یک انحراف معیار افزایش می‌یابد. در پی پاسخ به این سؤال که بین متغیرهای مستقل بیشترین تأثیر مربوط به کدام متغیر است، از معادله‌ی رگرسیونی استاندارد شده استفاده می‌کنیم:

$$Zy = B1 \cdot X1 + B2 \cdot X2 + B3 \cdot X3 \dots \dots \dots$$

$$Zy = /367 + /177 + /139 + /137 + /082 + - /149$$

با توجه به معادله‌ی فوق، بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل بر اخلاق شهروندی به ترتیب عبارتند از: عرصه‌ی عمومی، آشنایی با مفاهیم جدید، خانواده، پایگاه اجتماعی، سن، جنس. ضریب همبستگی متغیرهای بالا با متغیر وابسته معادل ۰/۵۷۴ است و آزمون F (۳۲/۰۴۳) در سطح معناداری بسیار بالایی وجود رابطه بین این متغیرها با متغیر وابسته را نشان می‌دهد. ضریب تعیین تعدیل شده کلی (Adjusted) ۰/۳۱۹ است. این میزان نشان می‌دهد که متغیرهای باقی مانده در معادله‌ی رگرسیون با همدیگر، ۳۱/۹٪ از واریانس متغیر وابسته‌ی اخلاق شهروندی را تبیین می‌کند. حدود ۶۸/۱٪ از واریانس باقی مانده متغیر وابسته توسط دیگر متغیرها تبیین می‌شود که در این تحقیق مد نظر نبوده است. دلیل این امر نیز پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی است که شناخت کامل و قطعی آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد.

تحلیل عاملی

در این مرحله ۱۴ گویه به ترتیب: خانواده، عرصه‌ی عمومی، آشنایی با مفاهیم جدید مربوط به اخلاق شهروندی وارد تحلیل عاملی شدند.

جدول شماره ۸: آزمون kmo, bartlett

مقدار kmo	مقدار bartlett	df	sig
۰/۷۵	۱۱۸۳	۹۱	۰/۰۰۰

بیانگر کفایت نمونه برای تحلیل عاملی است و همچنین مقدار معناداری = kmo شاخص ۰/۷۵

آزمون بارتلت که کوچکتر از ۵ درصد است نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار، مدل مناسبی است و ماتریس همبستگی ما ماتریسی واحد نیست. جدول شماره ۹: استخراج اشتراک‌های اولیه و استخراجی عامل‌های وارد شده در تحلیل عاملی

گویه‌ها	اشتراک اولیه Initial	اشتراک استخراجی Extraction
س ۷الف	1.000	.482
س ۷ب	1.000	.796
س ۷ج	1.000	.602
س ۷د	1.000	.571
س ۷ه	1.000	.562
س ۸الف	1.000	.637
س ۸ب	1.000	.511
س ۸ج	1.000	.617
س ۸د	1.000	.552
س ۸ه	1.000	.599
س ۹الف	1.000	.547
س ۹ب	1.000	.724
س ۹ج	1.000	.760
س ۹د	1.000	.705

بر اساس جدول بالا از آنجا که مقادیر اشتراک اولیه‌ی عامل‌ها از قبل ۱ تعیین شده است، برای همه‌ی عامل‌ها برابر با ۱ است و از آنجایی که هرچه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگتر باشد، عامل‌های استخراج شده، متغیرها را بهتر نمایش می‌دهند، مقادیر استخراجی

کمتر از ۰/۵۰ حذف شده است. در اینجا گویه‌ی اول به دلیل اینکه اشتراک استخراجی ۰/۴۸ بود حذف شد. در این مرحله ۶۲٪ از واریانس را با ۵ عامل می‌توان تبیین کرد. با حذف این گویه قدرت تبیین واریانس ما به ۶۵٪ افزایش می‌یابد. از آنجایی که تفسیر بارهای عاملی بدون چرخش، ساده نیست بنابراین عامل‌ها را می‌چرخانیم تا قابلیت تفسیر آن‌ها افزایش یابد. جدول زیر عامل‌ها را بعد از چرخش نشان می‌دهد. در اینجا هر سؤال را با توجه به بالاترین همبستگی به صورت سطری به عامل مربوط مشخص کردیم. البته با تفسیر عامل‌ها بر اساس مبانی نظریه، فرضیه‌های تحقیق و کم بودن میزان همبستگی سؤالات با عامل پنجم عامل‌های ۴ و ۵ با هم ترکیب شده‌اند و تعداد آنها به ۴ عامل تقلیل یافته است.

جدول شماره‌ی ۱۰: استخراج ماتریس چرخش یافته عامل‌ها

گویه‌ها	Component				
	1	2	3	4	5
س 7ب	.027	.058	.013	.016	.970
س 7ج	.054	-.354	.515	.438	.128
س 7د	.071	.148	.733	.078	-.086
س 7ه	.069	.242	.717	-.028	.075
س 8الف	.010	.101	.045	.787	.083
س 8ب	.064	.321	.056	.627	-.115
س 8ج	.007	.685	-.015	.384	-.019
س 8د	.106	.669	.328	.033	.020
س 8ه	.072	.767	.123	.095	.082
س 9الف	.732	-.083	.036	.038	-.069
س 9ب	.816	.131	.094	-.021	.174
س 9ج	.856	.144	.073	-.002	.037
س 9د	.832	.037	.025	.080	-.064

نامگذاری عامل‌های نهایی عبارتند از :

(۱) آشنایی با مفاهیم جدید

موارد مشخص شده در ستون اول عبارتند از :

لیبرال دموکراسی ۷۳/۲٪، حقوق بشر ۸۱/۶٪، روشنگری ۸۵/۶٪، روشنگری
۸۳/۲٪

(۲) وظیفه‌شناسی و احساس تعهد شهروندان

موارد مشخص شده در ستون دوم عبارتند از :

سؤال ۸ ج ۶۸/۵٪، سؤال ۸ د ۶۶/۹٪، سؤال ۸ ه ۷۶/۷٪.

(۳) تأثیر نوع و نحوه روابط اعضای خانواده بر شهروندی

موارد مشخص شده در ستون سوم عبارتند از :

سؤال ۷ ج ۵۱/۵٪، سؤال ۷ د ۷۳/۳٪، سؤال ۷ ه ۷۱/۷٪.

(۴) رعایت قانون و انجام وظایف از روی میل و اراده

موارد مشخص شده در ستون چهارم و پنجم عبارتند از :

سؤال ۸ الف ۷۸/۷٪، سؤال ۸ ب ۶۲/۷٪، سؤال ۷ ب ۹۷٪.

نتیجه‌گیری

شهروندی و مباحث مرتبط به آن به عنوان مفاهیمی تکامل یافته و پر بسامد در گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی دنیای معاصر مطرح می‌شود. امروزه اخلاق شهروندی به عنوان شاخصی اساسی برای نشان دادن تحقق عدالت و توسعه‌ی انسانی برابر در جوامع محسوب می‌شود.

هدف تحقیق حاضر بررسی عوامل مؤثر بر اخلاق شهروندی جوانان است. علت انتخاب جوانان در این تحقیق از آن روست که جوانان به عنوان بازتولیدکنندگان اصلی فرهنگ جامعه محسوب می‌شوند که در حال حاضر به عنوان قشر جوان و در سال‌های آتی به عنوان پدر و مادر به شکل‌گیری و تداوم اخلاق شهروندی کمک خواهند کرد. نتایج تحقیق در سطح تحلیل با آماره‌های مختلف (T,f) بیانگر تفاوت معناداری بین متغیرهای

جنسیت و سن با اخلاق شهروندی است. همچنین آزمون ضریب همبستگی Person نشان‌دهنده‌ی ارتباط معنادار بین متغیرهای خانواده، عرصه‌ی اجتماعی، آشنایی با مفاهیم جدید، پایگاه اجتماعی است؛ بنابراین تمامی فرضیات تحقیق با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود.

بر اساس رگرسیون چند متغیره بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل بر اخلاق شهروندی به ترتیب عبارتند از:

عرصه‌ی عمومی، آشنایی با مفاهیم جدید، خانواده، پایگاه اجتماعی، سن، جنس.

نامگذاری عامل‌های نهایی براساس تحلیل عاملی عبارتند از:

(۱) آشنایی با مفاهیم جدید

(۲) وظیفه‌شناسی و احساس تعهد شهروندان

(۳) تأثیر نوع و نحوه‌ی روابط اعضای خانواده بر شهروندی

(۴) رعایت قانون و انجام وظایف از روی میل و اراده

برای تحقق و ترویج اخلاق شهروندی در هر جامعه‌ای لازم است ابتدا شرایط اجتماعی و فرهنگی آن جامعه به طور دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد و سپس متناسب با آن شرایط برنامه‌ریزی‌های لازم با مشارکت همه‌ی سازمانها و ارگانهای جامعه اتخاذ گردد؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای تحقق و ترویج اخلاق شهروندی در مرحله‌ی اول، مستلزم شناخت پتانسیل‌ها و شرایط خاصی چون شرایط در حال گذار، مواجهه‌ی روزافزون با مظاهر مدرنیته، گسترش بی‌رویه‌ی پدیده‌ی شهرنشینی، تنوع فرهنگ‌های قومی و مذهبی در کشور است.

با توجه به ساختار کشور مهمترین رهیافت برای توسعه و ترویج اخلاق شهروندی آموزش و تربیت اصول و مبانی شهروندی است البته برای تداوم و نهادینه شدن اخلاق شهروندی لازم است که از یک سو شهروندان نسبت به ضرورت و کارکردهای اخلاق شهروندی آگاهی لازم را داشته باشند و از سوی دیگر به خاطر ماهیت چند بعدی شهروندی این آموزش‌ها به صورت مقطعی و از طرف یک نهاد خاص نباشد و همچنین همه‌ی مسئولان و کارگزاران دولتی و غیردولتی خود را ملزم به رعایت اصول شهروندی

بدانند تا ضرورت کارکردی اخلاق شهروندی برای همه‌ی مردم جامعه به اثبات برسد و آن را جزء لاینفک زندگی خود و دیگران بدانند، در غیر این صورت به امری یک طرفه دست و پاگیر برای یک گروه و قشر محسوب خواهد شد که فقط در شرایط اجبار حاضر به رعایت آن خواهند بود. ایجاد این فضای مشارکتی بین شهروندان و کارگزاران و برنامه‌ریزان به نوعی تلفیق آموزش‌های غیر رسمی و رسمی است که جامعه را به سوی مؤلفه‌های کلیدی اخلاق شهروندی چون مسؤلیت‌پذیری، تعهد و تعلق، احترام به حقوق یگدیگر، مشارکت سوق می‌دهد.

Archive of SID

منابع

- بختیار نصر آبادی، آمنه، حسنعلی و احمد بختیار نصرآبادی. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر فضای شهری مردم‌گرا و رابطه‌ی آن با رفتار شهروندی»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۲، شماره‌ی ۲، صص ۱۱۴-۱۰۱.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۵). شهروندی از حقوق تا مسؤولیت، *مجله نامه*، شماره‌ی ۵۳، صص ۷۴-۷۳.
- توسلی، غلام عباس و سید محمد نجاتی حسینی. (۱۳۸۳). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲، صص ۶۲-۳۲.
- راهنمای سرشماری مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- سراقی، عیسی، لیلاساکی، داریوش ابوالفتحی و حسین ملکی. (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل حقوق شهروندی و تأثیر آن بر روند شهر و شهرنشینی در دوران معاصر، تهران»، همایش منطقه‌ای شهر، شهروند و مدیریت شهری، صص ۱۶۹-۱۵۴.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱). شهروندی و رفاه اجتماعی، *فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال اول، شماره‌ی ۴، صص ۲۴-۹.
- _____ . (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن، پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیانی، ملیحه و طاهره داودوندی. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان»، *فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی*، شماره‌ی ۵، صص ۵۹-۳۵.
- شیانی، ملیحه و طاهره داودوندی. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۳، صص ۶۲-۳۷.
- عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۰). «تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین»، نامه‌ی علوم اجتماعی، پاییز و زمستان، شماره‌ی ۱۸، صص ۲۰۰-۱۶۷.
- عظیمی، فخرالدین. (۱۳۷۷). *جامعه‌ی مدنی و ایران امروز*، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- فاضلی، نعمت. (۱۳۸۶). شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی، قابل دسترس در سایت: (www.farhangshenasi.com/articel)

- فالکس، کیث. (۱۳۸۱). شهروندی، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). مفاهیم کلیدی شهروند و فرهنگ شهروندی در ایران، قابل دسترس در سایت: (www.anthropology.ir)
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۹). اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله‌ی پهلوی، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات مرکز.
- کلدی، علیرضا و نگار پوردهناد. (۱۳۹۱). «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، **فصلنامه‌ی مطالعات شهری**، سال دوم، شماره‌ی ۴، صص ۵۸-۲۹.
- کیویستو، پیتر. (۱۳۷۸). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مهدوی، محمدصادق و محمد مبارکی. (۱۳۸۵). «تحلیل نظریه‌ی کنش ارتباطی هابرماس»، **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی** سال دوم، شماره‌ی هشتم، صص ۲۱-۱.
- میر، ایرج. (۱۳۸۶). «به سوی یک نظریه‌ی تفضیلی در اندیشه‌ی هابرماس»، **فصلنامه‌ی تخصصی علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره‌ی هفتم، صص ۲۷۷-۲۴۷.
- نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۰). «جامعه‌ی مدرن، شهروندی و مشارکت»، **فصلنامه‌ی پژوهشی، تحلیلی و آموزشی مدیریت شهری**، سال دوم، صص ۱۵-۶.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین و رضا علی نوروزی. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر اهداف تربیت اخلاقی و اجتماعی از دیدگاه هابرماس با تأکید بر نظریه‌ی کنش ارتباطی»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و یکم، شماره‌ی پیاپی ۳۷، شماره‌ی اول، صص ۱۴۲-۱۲۳.
- نودزی، حسینعلی. (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های هابرماس، تهران: نشر چشمه.
- نیکومرام، هاشم و اسماعیل کاوسی و حوریه سادات. (۱۳۹۰). «نقش مهندسی فرهنگی در توسعه‌ی اخلاق شهروندی»، **فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت شهری**، سال سوم، شماره‌ی پنجم، صص ۸۷-۷۱.
- هاشمیان فر، سید علی و محمد گنجی. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیستم، (شماره‌ی پیاپی ۳۳)، شماره‌ی ۱، صص ۴۴-۲۵.

- هاشمیان فر، سید علی و شهرزاد عجمی. (۱۳۹۱). «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان»، فصلنامه‌ی مطالعات شهری، سال دوم، شماره‌ی ۳، صص ۲۳۰-۲۰۹.
- هزارجریبی، جعفر و ابوالفضل امانیان. (۱۳۹۰). «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، مجله‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره‌ی نهم، صص ۱۸-۱.

- Hill, Dilys. M (1994) Citizen and Cities, Havvester Wheat press.
- Minkler, J (1998) Active Citizenship, Empowering America's Youghth, In WWW.Frenso, edu/ sps/ minkler, html.
- Parsons, T (1965) Full citizenship for the Negro American Sociological problem, Daetdalus, Vol. 94.
- Summers, Jacqueline Y. (2002). A proposal Model for Anchorage Adult Civic Education. Unpublished Master of Education Thesis.
- Sundstron, Mikeal, Christian fernandez (2013) Citizenship Education and diversity in liberal societies: Theory and policy in a comparative perspective, Education, Citizenship and Social Justice, vol 8 no 2, 103-117.
- Turner, B (1993) Contemporary Problem in Theory of citizenship, london, Sage.

Archive of SID